



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

بررسی معناشناختی القاب رستم در شاهنامه فردوسی

نادیا ذاکری

کارشناس ارشد ارتباط تصویری و مدرس دانشگاه در دانشگاه ملی مهارت الزهرا و غیرانتفاعی فردوس مشهد، ایران.

Nadia.zakeri.art@gmail.com

چکیده

شاهنامه اثر ابوالقاسم فردوسی افزون بر روایت حماسی تاریخ و اسطوره ایران، متنی معنماحور و چندلایه است که در آن شخصیت‌پردازی نقشی بنیادین در انتقال مفاهیم فرهنگی، اخلاقی و سیاسی ایفا می‌کند. رستم به‌عنوان برجسته‌ترین پهلوان این اثر، شخصیتی چندبعدی است که جایگاه او تنها از طریق کنش‌های روایی تبیین نمی‌شود، بلکه زبان و به‌ویژه القاب او در شکل‌دهی به این جایگاه نقشی اساسی دارند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر متن شاهنامه و منابع معتبر شاهنامه‌پژوهی، به شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل مفهومی القاب رستم می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که القابی چون «دستان»، «پیل‌تن»، «تهمتن»، «جهان‌پهلوان» و «تاج‌بخش» صرفاً توصیف‌هایی اغراق‌آمیز نیستند، بلکه هر یک بر بُعدی از شخصیت، نقش اجتماعی و جایگاه ایدئولوژیک رستم دلالت دارند. این القاب شبکه‌ای معنایی می‌سازند که مفاهیمی چون خرد پهلوانی، قدرت اخلاق‌مدار، مشروعیت سیاسی و هویت ایرانی را بازنمایی می‌کند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فردوسی از القاب به‌عنوان ابزاری برای هدایت روایت، تثبیت ارزش‌های فرهنگی و تبیین نسبت میان قدرت و اخلاق بهره گرفته است. بدین ترتیب، القاب رستم را باید بخشی بنیادین از ساختار معنایی و روایی شاهنامه دانست که در فهم جهان‌بینی فردوسی نقشی تعیین‌کننده دارند.

واژگان کلیدی: شاهنامه، رستم، القاب، پهلوانی، مشروعیت، هویت ایرانی، فردوسی



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities

(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

مقدمه

شاهنامه سروده ابوالقاسم فردوسی از بنیادی‌ترین متون ادبی و هویت‌ساز فرهنگ ایرانی است؛ اثری که افزون بر روایت تاریخ و اسطوره، نظامی منسجم از اندیشه، اخلاق و قدرت را در قالب زبان حماسی صورت‌بندی می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۱۵-۲۰). شاهنامه تنها بازگویی گذشته‌ای اسطوره‌ای نیست، بلکه بازتاب‌دهنده جهان‌بینی فرهنگی ایرانیان است؛ جهانی که در آن مفاهیمی چون خرد، پهلوانی، عدالت، مشروعیت و هویت ملی در پیوندی ساختاری شکل می‌گیرند (بیضایی، ۱۳۸۲: ۴۵؛ کامشاد، ۱۳۹۸: ۷۲). از این منظر، زبان در شاهنامه صرفاً ابزار روایت نیست، بلکه سازوکاری فعال در تولید معنا و تثبیت ارزش‌هاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای زبانی در این فرآیند، «نام» و به‌ویژه «لقب» است. در سنت حماسی ایران، لقب کارکردی فراتر از توصیف دارد و به‌مثابه نشانه‌ای فشرده، شبکه‌ای از دلالت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی را فعال می‌سازد (شمس، ۱۳۹۵: ۸۸). لقب می‌تواند جایگاه شخصیت را در نسبت با قدرت سیاسی و نظم اجتماعی تثبیت کند و از همین رو، تحلیل آن راهی مؤثر برای فهم سازوکارهای معناسازی در متون حماسی محسوب می‌شود (غضنفری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). کاربرد هدفمند القاب در شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی در نظام نام‌گذاری شخصیت‌ها، به ابعاد گفتمانی زبان توجهی دقیق داشته است.

در میان شخصیت‌های شاهنامه، رستم جایگاهی محوری دارد. او اگرچه در ساختار رسمی سلطنت قرار نمی‌گیرد، در بزنگاه‌های اساسی روایت، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت نظم سیاسی و اخلاقی ایفا می‌کند (ملک‌پور، ۱۳۹۲: ۶۵). این موقعیت میانجی‌گرانه، که رستم را در مرز میان قدرت پهلوانی و قدرت سلطنتی قرار می‌دهد، در زبان روایت نیز بازتاب یافته و در قالب القابی چون «دستان»، «پیل‌تن»، «تهمتن»، «جهان‌پهلوان» و «تاج‌بخش» تجلی یافته است (فردوسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۵۲-۶۰). هر یک از این القاب در بافتی خاص به‌کار می‌روند و بر بُعدی از شخصیت، منزلت اجتماعی و کارکرد ایدئولوژیک رستم تأکید دارند.

پژوهش‌های متعددی درباره رستم و ساختار پهلوانی در شاهنامه انجام شده است. برخی مطالعات با رویکرد اسطوره‌شناختی به تحلیل الگوی قهرمان پرداخته‌اند (بیضایی، ۱۳۸۲: ۵۸)، برخی دیگر مناسبات رستم با قدرت سیاسی و مسئله مشروعیت را بررسی کرده‌اند (ملک‌پور، ۱۳۹۲: ۷۸)، و گروهی نیز به تحلیل زبان و ساختار روایی شاهنامه توجه داشته‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۳۰). همچنین در پژوهش‌هایی به ریشه‌شناسی و معنای برخی القاب پهلوانی اشاره شده است (دهخدا، ۱۳۶۰، ذیل مدخل‌های «تهمتن» و «پیل‌تن»؛ شمس، ۱۳۹۵: ۹۵). با این حال، در اغلب این آثار، القاب رستم به‌صورت پراکنده و ذیل مباحث کلی بررسی شده‌اند و تحلیل نظام‌مند آن‌ها به‌عنوان شبکه‌ای معنا‌ساز کمتر مورد توجه مستقل قرار گرفته است.

از این منظر، القاب رستم را می‌توان بخشی از معماری معنایی شاهنامه دانست؛ عناصری که در تثبیت تصویر قهرمان ملی و بازنمایی نسبت میان قدرت، اخلاق و مشروعیت نقش دارند. تنوع و کاربرد موقعیتی این القاب نشان می‌دهد که فردوسی از طریق زبان، الگویی از پهلوان ایرانی ارائه می‌دهد که در آن قدرت جسمانی با خرد، و اقتدار با مسئولیت اخلاقی پیوند می‌خورد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۹۰). بدین ترتیب، لقب نه تنها ابزار شخصیت‌پردازی، بلکه سازوکاری برای جهت‌دهی به خوانش مخاطب و تثبیت ارزش‌های فرهنگی است.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities

(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است که با تمرکز بر القاب رستم در شاهنامه، جایگاه و کارکرد معنایی آن‌ها را در ساختار روایی و ارزشی اثر تبیین کند و نشان دهد که این القاب چگونه در شکل‌دهی به شخصیت رستم و بازنمایی مفاهیمی چون قدرت، مشروعیت سیاسی و هویت ایرانی نقش‌آفرینی می‌کنند

روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. بدین‌صورت که ابتدا القاب رستم از متن شاهنامه استخراج و گردآوری شد، سپس با دسته‌بندی آن‌ها بر اساس کارکردهای معنایی و موقعیت‌های روایی، ساختار دلالتی هر لقب مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله تحلیل، القاب در نسبت با جایگاه شخصیتی رستم، ساختار قدرت و نظام ارزشی حاکم بر شاهنامه تبیین شدند تا نقش آن‌ها در شکل‌دهی به تصویر قهرمان ملی روشن شود

پیشینه پژوهشی

۱- جایگاه القاب در سنت حماسی ایران

در سنت حماسی ایران، لقب بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت قهرمان است. برخلاف متون تاریخی که در آن‌ها نام و عنوان بیشتر کارکرد شناسایی دارند، در متون حماسی لقب به‌منزله نشانه‌ای فشرده از سرگذشت، توانایی، منزلت اجتماعی و جایگاه اخلاقی قهرمان عمل می‌کند. این سنت ریشه در فرهنگ شفاهی دارد؛ فرهنگی که برای ماندگاری روایت‌ها، به عناصر زبانی پر قدرت، تکرارشونده و معنادار نیازمند بوده است.

در شاهنامه، القاب پهلوانان اغلب به سه حوزه اصلی اشاره دارند:

نخست، توان جسمانی و شجاعت؛

دوم، خرد، تدبیر و تجربه؛

سوم، جایگاه اجتماعی و نقش سیاسی.

رستم، به‌عنوان پهلوانی که هر سه حوزه را در بالاترین سطح نمایندگی می‌کند، طبیعی است که بیشترین و متنوع‌ترین القاب را به خود اختصاص دهد. این القاب در کنار یکدیگر، شبکه‌ای معنایی می‌سازند که فهم شخصیت رستم بدون توجه به آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

۲- رستم در ساختار شاهنامه و ضرورت تعدد القاب

رستم نه تنها یک شخصیت داستانی، بلکه یکی از محورهای تعادل روایت شاهنامه است. در بسیاری از بزرگه‌های اسطوره‌ای و تاریخی، حضور یا غیاب او سرنوشت ایران‌زمین را رقم می‌زند. این نقش محوری سبب می‌شود که فردوسی برای بازنمایی ابعاد مختلف شخصیت رستم، به ابزارهای زبانی متنوعی متوسل شود که لقب، مهم‌ترین آن‌هاست.

تعدد القاب رستم را می‌توان بازتابی از چندگانگی نقش‌های او دانست. رستم گاه جنگجوی شکست‌ناپذیر است،

گاه مشاور خردمند، گاه داور اخلاقی و گاه نیروی فراتر از ساختار رسمی قدرت. هر یک از این نقش‌ها، نیازمند زبانی متناسب است و لقب این امکان را برای فردوسی فراهم می‌کند که بدون توضیح‌های طولانی، مخاطب را از جایگاه لحظه‌ای رستم در روایت آگاه سازد.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities

(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

تحلیل تفصیلی القاب رستم

۱- رستم دستان: خرد، تجربه و تدبیر پهلوانی

لقب «دستان» یکی از کهن‌ترین و معنادارترین القاب رستم است. این لقب، رستم را از پهلوانی صرفاً زورمند فراتر می‌برد و بر بُعد خرد، تجربه و توانایی تدبیر او تأکید می‌کند. در بسیاری از موقعیت‌های بحرانی شاهنامه، زمانی که تصمیم‌گیری‌های پیچیده و سرنوشت‌ساز مطرح است، فردوسی از این لقب استفاده می‌کند.

برای نمونه، در صحنه‌هایی که رستم پیش از نبرد به سنجش شرایط می‌پردازد یا دیگران را به خویشتن‌داری و تعقل فرامی‌خواند، لقب «دستان» برجسته می‌شود؛ امری که نشان می‌دهد این عنوان با کنش‌های عقلانی و تجربه‌محور رستم پیوند مستقیم دارد (فردوسی، شاهنامه، تصحیح خالقی‌مطلق). این لقب همچنین نسبت

معناداری با سنت اسطوره‌ای خاندان زال دارد. رستم دستان، وارث خرد پدرانه و دانشی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و او را به مرجعی فراتر از یک جنگجو تبدیل می‌کند. بدین‌سان، «دستان» پلی میان نیروی جسمانی و خرد سیاسی-اخلاقی رستم می‌سازد.

۲- پیل‌تن: بدن اسطوره‌ای و قدرت فراانسانی

لقب «پیل‌تن» آشکارترین نشانه قدرت جسمانی رستم است. فیل در فرهنگ ایرانی و شرقی، نماد نیروی عظیم، پایداری و هیبت هراس‌انگیز است و نسبت دادن این ویژگی به رستم، او را به سطحی اسطوره‌ای ارتقا می‌دهد. این لقب اغلب در صحنه‌های نبردهای سرنوشت‌ساز به کار می‌رود؛ جایی که روایت نیازمند نمایش قدرت مطلق پهلوان است.

در نبردهای رستم با دیوان یا پهلوانان بیگانه، کاربرد لقب «پیل‌تن» پیشاپیش نتیجه نبرد را برای مخاطب قابل پیش‌بینی می‌کند و نوعی اطمینان‌رایی می‌آفریند. بدن رستم در شاهنامه بدنی عادی نیست، بلکه بدنی اسطوره‌ای است که مرزهای توان انسانی را درمی‌نوردد. لقب «پیل‌تن» این بدن اسطوره‌ای را در زبان تثبیت می‌کند و پذیرش توانایی‌های فراطبیعی رستم را برای مخاطب آسان می‌سازد.

۳- جهان پهلوان: فراروی از مرزهای جغرافیایی

لقب «تهمتن» بر شجاعت و جسارت رستم دلالت دارد، اما این شجاعت در شاهنامه هرگز به صورت تهور کور یا خشونت بی‌هدف بازنمایی نمی‌شود. رستم تهمتن پهلوانی است که خطر را آگاهانه می‌پذیرد و شجاعت او همواره با مسئولیت اخلاقی و اجتماعی همراه است.

این لقب معمولاً در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که رستم داوطلبانه وارد میدان خطر می‌شود؛ نه برای نمایش قدرت فردی، بلکه برای دفاع از ایران‌زمین یا حفظ نظم اخلاقی. بدین‌سان، «تهمتن» نماینده شجاعتی است که با تعهد اجتماعی پیوند خورده و یکی از ارکان اصلی پهلوانی ایده‌آل در شاهنامه به شمار می‌آید.

۴- پهلوان: اخلاق، مسئولیت و تعهد

لقب «جهان پهلوان» رستم را از محدوده یک قهرمان محلی فراتر می‌برد و او را به معیار سنجش پهلوانی در مقیاسی گسترده تبدیل می‌کند. این عنوان نشان می‌دهد که پهلوانی رستم نه فقط در ایران، بلکه در سطحی فراتر از مرزهای جغرافیایی معنا می‌یابد.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

فردوسی با به‌کارگیری این لقب، جایگاه فرهنگی ایران را در برابر دیگر سرزمین‌ها برجسته می‌کند و رستم را به نماد برتری اخلاقی و پهلوانی ایرانی بدل می‌سازد. «جهان‌پهلوان» بیش از آن که یک عنوان اغراق‌آمیز باشد، حامل پیامی هویتی است که پهلوانی را با فرهنگ، اخلاق و اعتبار جمعی پیوند می‌دهد.

۵- تاج‌بخش: قدرت فراتر از پادشاهی

لقب «تاج‌بخش» یکی از سیاسی‌ترین القاب رستم در شاهنامه است. این عنوان نشان می‌دهد که رستم، اگرچه پادشاه نیست، اما نقشی تعیین‌کننده در تثبیت و مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی دارد. در روایت‌هایی که پادشاهان با بحران مشروعیت مواجه‌اند، حمایت رستم به‌منزله تأیید اخلاقی قدرت عمل می‌کند. رستم تاج‌بخش نماد نوعی قدرت غیررسمی اما مؤثر است؛ قدرتی که نه از وراثت، بلکه از پهلوانی، اخلاق و پذیرش اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. این لقب نشان می‌دهد که در جهان‌بینی فردوسی، بقای نظم سیاسی بدون پشتوانه اخلاقی و پهلوانی ممکن نیست.

۶- تهمتن: شجاعت آگاهانه و پهلوانی فراتر از محدودیت‌ها

لقب «تهمتن» یکی از شناخته‌شده‌ترین القاب رستم است که بر شجاعت، جسارت و توانمندی فراتر از انسان عادی تأکید دارد. این لقب رستم را نه صرفاً به عنوان یک جنگجوی نیرومند، بلکه به عنوان پهلوانی می‌نماید که خطر را آگاهانه می‌پذیرد و مسئولیت اخلاقی اعمال خود را می‌داند. فردوسی در به‌کارگیری این لقب، رستم را در صحنه‌هایی قرار می‌دهد که ورود او به نبرد، صرفاً برای دفاع از ایران و حفظ نظم اجتماعی است، نه به منظور نمایش قدرت فردی یا پیگیری منفعت شخصی. در این معنا، «تهمتن» نشان‌دهنده تعادل میان نیروی جسمانی و خرد عملی است و مخاطب را با الگویی از پهلوانی آشنا می‌کند که شجاعت او همواره در خدمت جامعه و اخلاق قرار دارد. این لقب همچنین ریشه در سنت اسطوره‌ای خاندان زال دارد و نشان می‌دهد که رستم وارث خرد و تجربه نسل‌های گذشته است و پهلوانی او ترکیبی از نیروی جسمانی، خرد و مسئولیت اجتماعی است.

۷- گرد: تجلی تبار و استمرار پهلوانی

لقب «گرد» اشاره‌ای مستقیم به نسب و تبار پهلوانی رستم دارد و او را به عنوان وارث سنتی پهلوانی معرفی این لقب نشان می‌دهد که رستم نه به صورت اتفاقی، بلکه در چارچوب سلسله‌ای از پهلوانان و ارزش‌های خانوادگی شکل گرفته است. لقب گرد بر اهمیت استمرار میراث اخلاقی و پهلوانی نسل‌های گذشته تأکید دارد و جایگاه رستم را در نظام مشروعیت اجتماعی و فرهنگی تثبیت می‌کند.

۸- نریمان‌زاده: یادآور اصالت و مشروعیت اخلاقی

لقب «نریمان‌زاده» تأکید دارد که رستم فرزند نریمان و وارث سنت پهلوانی اوست. این عنوان نه تنها تبار خانوادگی، بلکه پیوند اخلاقی و فرهنگی با نسل‌های گذشته را نمایان می‌کند. رستم به عنوان نریمان‌زاده، حامل میراث تجربه، خرد و مسئولیت اجتماعی است و پهلوانی او ترکیبی از قدرت جسمانی و مشروعیت اخلاقی است.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

**The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)**

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

جدول (۱) تحلیل تفصیلی القاب رستم

لقب	بعد معنایی	کارکرد روایی	دلالت فرهنگی
دستان	خرد و تدبیر	حل بحران‌ها	پهلوان فرزانه
پیل‌تن	قدرت جسمانی	نبرد اسطوره‌ای	بدن قهرمانی
جهان‌پهلوان	مرجعیت	برتری حماسی	هویت فراملی
پهلوان	اخلاق	الگو بودن	ارزش‌های ایرانی
تاج‌بخش	قدرت سیاسی	مشروعیت‌بخشی	نظم اجتماعی
تهمتن	قدرت جسمانی	برجسته سازی نیروی بدنی	نیروی بدنی
گرد	دلاوری	تجلی تبار و استمرار پهلوانی	جنگاوری
نریمان زاده	نسب تبار	یادآور اصالت و مشروعیت اخلاقی	جایگاه ملی

یافته‌ها

بر اساس نتایج پژوهش، یافته‌های تحلیلی بر پیوند میان شخصیت، قدرت، اخلاق و هویت ایرانی تأکید دارد و نشان می‌دهد که فهم کامل رستم بدون درک معنای عمیق القاب، ناقص است. همچنین، جایگاه القاب در ساختار روایی، تقویت ارزش‌های اخلاقی، مشروعیت قدرت و هویت ملی بررسی شده و استنتاج‌هایی از دانسته‌های پژوهش ارائه می‌شود که می‌تواند مبنای تحلیل‌های میان‌رشته‌ای درباره متون حماسی قرار گیرد.

۱- القاب به عنوان شکل دهی شخصیت چند بعدی

القاب رستم نه تنها نقش شخصیت‌پردازی فردی دارند، بلکه هویت پهلوانی، اخلاقی و اجتماعی او را بازنمایی می‌کنند. قدرت جسمانی و فرا انسانی: لقب‌هایی مانند «پیل‌تن» و «جهان‌پهلوان» توانایی جسمانی، استواری و جایگاه فراانسانی رستم را برجسته می‌کنند (فردوسی، ۱۳۷۰: ص ۵۲-۵۶). این القاب، رستم را فراتر از یک پهلوان انسانی معرفی کرده و او را به سطح اسطوره‌ای می‌رسانند (نظری، ۱۳۹۰: ص ۷۸).

خرد و توانایی تدبیر: لقب «دستان» نشان‌دهنده تدبیر، تجربه و توانایی راهبردی رستم است و تأکید می‌کند که پهلوانی تنها وابسته به قدرت بدنی نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۰).

مشروعیت و نقش اجتماعی-سیاسی: لقب «تاج‌بخش» بیانگر جایگاه مشروعیت‌بخش و سیاسی رستم است. حضور او در تثبیت نظم و مشروعیت قدرت شاهانه، نشان‌دهنده نقش او به عنوان مرجع اخلاقی و سیاسی در جامعه پهلوانی ایران است (نظری، ۱۳۹۰: ص ۸۵).

بر اساس دیدگاه تحلیلی فردوسی با انتخاب دقیق القاب، تعادلی میان قدرت جسمانی، خرد و مشروعیت اجتماعی ایجاد کرده است؛ تعادلی که یکی از مولفه‌های اصلی پهلوان ایده‌آل شاهنامه به شمار می‌آید.

۲- القاب و بازتاب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی

یکی از دستاوردهای اصلی این پژوهش، روشن شدن نقش القاب در تثبیت و انتقال هویت ایرانی است. رستم، از طریق القاب خود،



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

نمادی از ارزش‌های زیر است:

- وفاداری به سرزمین و دفاع از مرزها (فردوسی، ۱۳۷۰: ص ۶۲-۶۵)
- جوانمردی و پایبندی به اخلاق حماسی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵)
- نظم و عدالت اجتماعی

به این ترتیب، القاب رستم به‌عنوان ابزار معنایی و فرهنگی عمل می‌کنند که هم در تقویت جایگاه شخصیت و هم در بازنمایی نظم و ارزش‌های جامعه ایرانی نقش دارند.

این تحلیل نشان می‌دهد که پهلوانی در شاهنامه فراتر از نیروی جسمانی است و با مسئولیت اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی گره خورده است. به‌ویژه لقب «جهان‌پهلوان» نشان می‌دهد که رستم حامل هویت فرهنگی ایرانی است و در سطح فراملی نیز پیام‌هایی از اخلاق و عدالت را منتقل می‌کند.

همچنین، القاب در بازنمایی مفهوم هویت ملی و حافظه جمعی نقش دارند؛ رستم نه‌تنها قهرمان یک خانواده یا پادشاه است، بلکه نماد یک فرهنگ و نظام ارزش‌هاست که فردوسی قصد داشته به نسل‌های بعد منتقل کند. این تحلیل نشان می‌دهد که القاب به‌عنوان «حاملان ارزش» عمل می‌کنند و نقش مهمی در تثبیت و انتقال فرهنگ ایرانی دارند.

۳- القاب و نقش آن‌ها در ساختار روایی و هدایت مخاطب

تحلیل نشان می‌دهد که القاب رستم نه تنها به شخصیت‌پردازی او کمک می‌کنند، بلکه به‌عنوان ابزاری کارآمد برای هدایت جریان روایت و مدیریت توجه مخاطب عمل می‌کنند. فردوسی با انتخاب آگاهانه لقب‌ها در صحنه‌های مختلف، خواننده را از جایگاه، اهمیت و نقش رستم در هر موقعیت روایی مطلع می‌سازد و در عین حال نظم و انسجام روایت را حفظ می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵).

این کارکرد چندلایه القاب شامل موارد زیر است:

- تقویت شخصیت رستم: القاب به بازنمایی جنبه‌های مختلف شخصیتی او کمک می‌کنند و قدرت، خرد و مشروعیت اجتماعی را هم‌زمان برجسته می‌سازند (فردوسی، ۱۳۷۰: ص ۵۲-۶۲).
- سازمان‌دهی جریان روایت و ایجاد تعلیق داستانی: القاب با ظاهر شدن در موقعیت‌های کلیدی، توجه خواننده را به تحولات مهم داستان جلب می‌کنند و ساختار روایی را تقویت می‌کنند (نظری، ۱۳۹۰: ص ۹۰).
- انتقال پیام‌های اخلاقی و فرهنگی: القاب به‌صورت متراکم و نمادین پیام‌هایی مانند جوانمردی، وفاداری به سرزمین و پایبندی به اخلاق حماسی را منتقل می‌کنند و نقش رستم را در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه ایرانی نمایان می‌سازند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵).

امکان تحلیل میان‌رشته‌ای شخصیت، قدرت و جامعه: استفاده از القاب، زمینه را برای بررسی‌های تلاقی ادبیات، جامعه‌شناسی و مطالعات قدرت فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که شاهنامه، متنی چندلایه و مفهوم‌گرا است (ویر، ۱۹۲۲؛ نظری، ۱۳۹۰: ص ۸۵). بدون این القاب، خواننده نمی‌تواند جایگاه رستم در تعامل با دیگر شخصیت‌ها، ساختارهای قدرت سیاسی و حوادث تاریخی را به‌طور کامل درک کند. بدین ترتیب، القاب رستم نه تنها ابزار شخصیت‌پردازی بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از معماری روایی و هدایت مخاطب در شاهنامه محسوب می‌شوند.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

۴- پیوند میان قدر، اخلاق و مشروعیت

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، روشن کردن ارتباط تنگاتنگ میان قدرت، اخلاق و مشروعیت در شاهنامه است. فردوسی مشروعیت را صرفاً نتیجه وراثت یا زور نمی‌داند؛ بلکه آن را با شایستگی اخلاقی، خرد و حمایت اجتماعی مرتبط می‌سازد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۰).

لقب «تاج‌بخش» در رستم نشان می‌دهد که مشروعیت قدرت بدون اخلاق و مسئولیت اجتماعی پایدار نخواهد بود. حضور رستم در تثبیت نظم و مشروعیت سیاسی، نه از طریق زور، بلکه از طریق رعایت ارزش‌های اخلاقی و حمایت از جامعه حاصل می‌شود (نظری، ۱۳۹۰: ص ۸۵).

لقب «جهان‌پهلوان» نیز بیانگر این است که هویت و اعتبار پهلوانی فراتر از مرزهای سیاسی است و با فرهنگ، اخلاق و ارزش‌های جامعه گره خورده است. بدین ترتیب، پهلوانی رستم نه تنها با قدرت جسمانی، بلکه با مسئولیت اجتماعی، خرد و تعهد اخلاقی معنا پیدا می‌کند (فردوسی، ۱۳۷۰: ص ۵۶-۶۲).

این تحلیل نشان می‌دهد که شاهنامه صرفاً متنی حماسی نیست، بلکه متنی فلسفی است که به بررسی سیاست، اخلاق و اجتماع می‌پردازد. فردوسی مفهوم پهلوانی، شجاعت و قدرت را به صورت اخلاقی-اجتماعی-هویتی تعریف کرده و از این طریق، رستم را به الگویی فرازمانی و نمادین برای جامعه ایرانی تبدیل می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵).

۵- القاب مرتبط با نسب و تبار

هدف بیان القاب مرتبط با نسب و تبار، روشن کردن نقش تبار و پیشینه خانوادگی در شکل‌دهی به هویت پهلوانی اوست. لقب تهمتن نشان می‌دهد که قدرت رستم صرفاً نتیجه تلاش فردی نیست؛ بلکه میراث خانوادگی، تبار و پیوند با خاندان زال نقش تعیین‌کننده‌ای در مشروعیت و اعتبار او دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۸). ریشه‌یابی معنایی این لقب نشان می‌دهد که «تهم» به مفهوم بزرگی و «تن» به جسم و هستی اشاره دارد و از این طریق، ترکیب آن بیانگر قدرت جسمانی و ریشه خانوادگی پهلوانی است (بیضایی، ۱۳۸۲: ص ۴۵).

لقب داستان نیز فراتر از مهارت فردی رستم، به انتقال تجربه و خرد پهلوانی از نسل‌های گذشته اشاره دارد و بر اهمیت پیوند خانوادگی و فرهنگی در شکل‌دهی به هویت پهلوانی تأکید می‌کند (نظری، ۱۳۹۰: ص ۷۸). این لقب بیانگر آن است که پهلوانی رستم نه تنها حاصل شجاعت و زور، بلکه نتیجه حفظ و استمرار ارزش‌ها و سنت‌های خانوادگی است که مشروعیت اخلاقی و اجتماعی او را تقویت می‌کند.

تحلیل معناشناختی این القاب نشان می‌دهد که فردوسی مشروعیت پهلوانی را صرفاً نتیجه شجاعت فردی یا زور نمی‌داند؛ بلکه آن را با تبار، اخلاق، خرد و پذیرش اجتماعی گره می‌زند (اسلامی، ۱۳۸۸: ص ۹۲). به این ترتیب، القاب نسب و تبار رستم نقش اساسی در بازنمایی هویت پهلوانی، مشروعیت و جایگاه اجتماعی او دارند و شاهنامه را فراتر از یک متن حماسی، به متنی فرهنگی-اجتماعی و فلسفی تبدیل می‌کنند که به بررسی پیوند قدرت، اخلاق و مشروعیت می‌پردازد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۰).



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

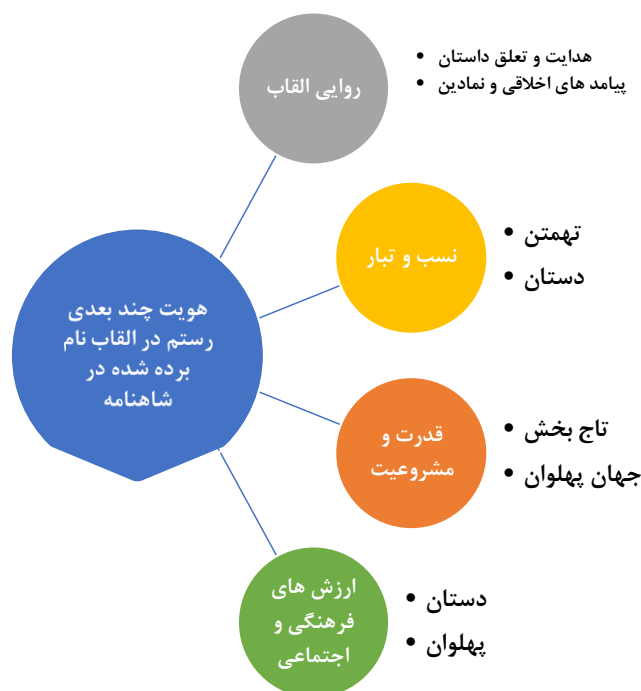
اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

تصویر (۱) مدل تبیینی القاب رستم در شاهنامه



بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل معناشناختی القاب رستم در شاهنامه نشان می‌دهد که این القاب بیش از یک ابزار ادبی برای زیبا کردن روایت هستند؛ آن‌ها کارکردی چندلایه و بنیادی در بازنمایی شخصیت، هویت فرهنگی و ساختار اجتماعی-سیاسی دارند. القاب رستم، از جمله «تهمتن»، «داستان»، «پیل‌تن»، «تاج‌بخش» و «جهان‌پهلوان»، نه تنها ویژگی‌های فردی و توانمندی‌های جسمانی او را برجسته می‌کنند، بلکه مشروعیت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی او را نیز بازتاب می‌دهند (فردوسی، ۱۳۷۰؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵؛ نظری، ۱۳۹۰).

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، روشن کردن نقش تبار و پیشینه خانوادگی در شکل‌دهی به هویت پهلوانی رستم است. القاب مرتبط با نسب، مانند «تهمتن» و «داستان»، نشان می‌دهند که پهلوانی صرفاً حاصل قدرت بدنی یا شجاعت فردی نیست، بلکه با میراث خانوادگی، خرد نسل‌های گذشته و پیوند با فرهنگ و جامعه گره خورده است (بیضایی، ۱۳۸۲؛ اسلامی، ۱۳۸۸). این موضوع تأکیدی است بر دیدگاه فردوسی که مشروعیت و اعتبار، محصول تلفیق اخلاق، خرد، قدرت و پذیرش اجتماعی است، نه صرفاً وراثت یا زور.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

علاوه بر بعد شخصیتی و خانوادگی، القاب رستم در سطح روایی نیز نقش حیاتی دارند. آن‌ها جریان روایت را سازمان‌دهی کرده، توجه مخاطب را به تحولات کلیدی جلب می‌کنند و پیام‌های اخلاقی و فرهنگی را منتقل می‌سازند. در نتیجه، القاب نه تنها شخصیت‌پردازی رستم را تقویت می‌کنند، بلکه هدایت مخاطب و انسجام داستان را نیز تضمین می‌نمایند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵؛ نظری، ۱۳۹۰).

تحلیل میان‌رشته‌ای این القاب نشان می‌دهد که شاهنامه متنی صرفاً حماسی نیست، بلکه یک متن فلسفی-فرهنگی است که در آن مفاهیم قدرت، مشروعیت، اخلاق و هویت اجتماعی با هم پیوند دارند. پهلوانی رستم، به عنوان حامل ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی، الگویی فرازمانی و نمادین برای جامعه ایرانی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که جایگاه یک پهلوان در شاهنامه، نتیجه هماهنگی میان توان جسمانی، خرد و مسئولیت اجتماعی است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کنند که القاب رستم نه تنها ابزار معنایی و نمادین هستند، بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از معماری روایی شاهنامه و بازنمایی هویت فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی جامعه ایرانی به شمار می‌آیند. این تحلیل نشان می‌دهد که فردوسی با انتخاب دقیق القاب، توانسته هویتی چندبعدی برای رستم بسازد و همزمان پیام‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی خود را به نسل‌های بعد منتقل کند.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

منابع

- اسلامی، محمود. (۱۳۸۸). پهلوانی و هویت ملی در شاهنامه. تهران: نشر نیلوفر.
- اسلامی، مهدی. (۱۳۸۸). ساختار قدرت و پهلوانی در شاهنامه. پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، ۱۲(۳)، ۸۵-۱۰۲.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۸۲). اسطوره و حماسه در فرهنگ ایرانی. تهران: نشر نی.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۸۲). هزارافسان کجاست؟ تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۰). لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۰). لغت‌نامه دهخدا، جلد‌های مرتبط با معانی «دستان»، «تهمتن» و «پیل‌تن». تهران: دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، احمد. (۱۳۷۵). فرهنگ و ادب ایران باستان. تهران: انتشارات فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی (چاپ پنجم). تهران: آگاه.
- شمس، احمد. (۱۳۹۵). مطالعات زبان و لقب‌های پهلوانی در ادبیات حماسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- شمس، فریدون. (۱۳۹۵). کارکرد القاب در متون حماسی فارسی. مطالعات ادبیات حماسی، ۴(۲)، ۸۱-۹۸.
- غضنفری، عباس. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری شاهنامه: شخصیت‌ها و نمادها. تهران: نشر مرکز.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). شاهنامه (جلال خالقی مطلق، مصحح). تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، حکیم. (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی (تصحیح و مقدمه دکتر محمد معین). تهران: انتشارات فرهنگستان.
- کامشاد، حمید. (۱۳۹۸). پایه‌گذاران نثر جدید فارسی. تهران: نیلوفر.
- کامشاد، سعید. (۱۳۹۸). هویت ملی و فرهنگ ایرانی در متون حماسی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ملک‌پور، جعفر. (۱۳۹۲). رستم و مسئله مشروعیت در شاهنامه. پژوهش‌های ادبی، ۵(۱)، ۶۰-۸۰.
- ملک‌پور، داریوش. (۱۳۹۲). مفهوم مشروعیت قدرت در شاهنامه. تهران: نشر نگاه.